بخشش قاتل پیرزن پس از ۲ بار رفتن پای چوبه‌دار

غلامرضا مسکنی

مردی که با همدستی زن همسایه، پیرزن ۸۵ ساله‌ای را برای سرقت طلا و جواهراتش به قتل رسانده بود، پس از دو بار رفتن پای چوبه دار و در آستانه سومین اجرای حکم، سرانجام با گذشت دو دختر مقتول و پرداخت دیه از قصاص نجات یافت. قاتل در سال‌های زندان توبه کرده و با حضور در جلسات حفظ قرآن و انجام کارهای خیر توانسته بود رضایت اولیای دم را جلب کند.

شامگاه بیست‌ونهم دی‌ماه سال ۱۳۹۵، دختر جوانی با مرکز پلیس تهران تماس گرفت و از مرگ مشکوک همسایه سالخورده‌اش خبر داد. دقایقی بعد تیمی از مأموران راهی محل شدند و در اتاق نشیمن طبقه اول ساختمان مسکونی با جسد زن ۸۵ ساله‌ای به نام گوهر روبه‌رو شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد زن سالخورده به قتل رسیده است.

با حضور بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی و کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی، تحقیقات جنایی آغاز شد. در نخستین مرحله، دختر جوانی به نام پروین که موضوع را به پلیس اطلاع داده بود، مورد تحقیق قرار گرفت.

■ کشف جسد از پشت پنجره شکسته

پروین در ادعایی گفت: «گوهر همسایه ما بود و به‌تنهایی زندگی می‌کرد. کنترل تلویزیونش خراب شده‌بود و من ساعتی قبل برای خرید کنترل به بازار رفتم. وقتی برگشتم و او را صدا زدم، جوابی نداد. همان موقع متوجه شدم شیشه‌های خانه‌اش شکسته است. از قسمت شکسته پنجره به داخل نگاه کردم و جسد او را دیدم. بلافاصله هم با پلیس تماس گرفتم.»

بررسی صحنه جرم نشان می‌داد وسایل خانه به‌هم ریخته و بخشی از اموال پیرزن سرقت شده‌است. همچنین مشخص شد انگشتر گوهر نیز به سرقت رفته و احتمالاً او هنگام مقاومت در برابر سارق به قتل رسیده‌است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، کارآگاهان به بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف ساختمان پرداختند. تصاویر دوربین‌ها سرنخ مهمی در اختیار تیم جنایی قرار داد، در فیلم‌ها مشخص بود پروین هنگام خروج از ساختمان، در خانه را باز می‌گذارد و دقایقی بعد مرد جوانی وارد ساختمان می‌شود. این مرد پس از مدتی با تعدادی وسیله از خانه خارج می‌شود.

■ نقشه سرقت با همدستی همسایه

بررسی تصاویر و اظهارات پروین، ظن کارآگاهان را به او بیشتر کرد. آنها احتمال می‌دادند دختر جوان با سارق ارتباط داشته و با باز گذاشتن در ساختمان، راه ورود او را فراهم کرده باشد. به همین دلیل پروین بازداشت شد. او ابتدا هرگونه دخالت در قتل را انکار کرد، اما سرانجام به ارتباط خود با مردی به نام حمید اعتراف کرد و گفت: «حمید همسایه قبلی ما بود. او پس از اختلاف با همسرش از او جدا شد و به مواد مخدر اعتیاد پیدا کرد. من برای کمک به او، کار نظافت خانه گوهر را پیشنهاد دادم. روز حادثه هم قرار بود فقط اموال پیرزن را سرقت کند و قرار نبود او را بکشد. به همین دلیل در را برایش باز گذاشتم.»

با این اعتراف، حمید شناسایی و بازداشت شد. او در جریان بازجویی‌ها به قتل پیرزن اعتراف کرد و جزئیات نقشه سرقت را شرح داد.

■ وسوسه طلاهای پیرزن تنها

حمید در اعترافاتش گفت: «چهار سال قبل در خیابان ۳۰ متری جی زندگی می‌کردیم و پروین همسایه ما بود. من با همسرم اختلاف داشتم و او چند بار برای آشتی دادن ما میانجیگری کرد. بعد از جدایی از همسرم به مواد مخدر اعتیاد پیدا کردم. مدتی بعد فهمیدم پروین هم به‌صورت تفریحی مواد مصرف می‌کند و همین موضوع باعث شد ارتباطمان بیشتر شود.» متهم ادامه داد: «وضع مالی خوبی نداشتم تا اینکه حدود یک ماه قبل از حادثه، پروین مرا برای نظافت به خانه گوهر معرفی کرد. وقتی به خانه پیرزن رفتم، متوجه شدم تنها زندگی می‌کند و طلا و جواهرات زیادی دارد. وسوسه شدم آنها را سرقت کنم. چند بار پیشنهاد این کار را به پروین دادم، اما قبول نکرد تا اینکه چند روز قبل خودش پیشنهاد سرقت را مطرح کرد. قرار شد روز حادثه به بهانه‌ای از خانه خارج شود و در را باز بگذارد تا من وارد شوم و اموال پیرزن را سرقت کنم.»

حمید درباره روز حادثه گفت: «وقتی پروین از خانه خارج شد، وارد ساختمان شدم و در خانه گوهر را زدم. به محض اینکه در را باز کرد، او را هل دادم و روی زمین افتاد. بعد دست و پایش را بستم و انگشترش را از دستش بیرون آوردم. سپس اتاق‌ها را گشتم تا طلاهایش را پیدا کنم، اما چیزی به دست نیاوردم. با پروین تماس گرفتم و گفتم خبری از طلا و جواهرات نیست. او هم گفت احتمالاً پیرزن آنها را به دخترش سپرده است. در نهایت یک دستگاه ویدئو، یک دستگاه پلی‌استیشن و یک تخته‌فرش دستباف را سرقت کردم و از خانه بیرون رفتم. من قصد کشتن او را نداشتم و حتی شیشه‌ها را شکستم تا همسایه‌ها متوجه شوند و به کمکش بیایند، اما وقتی دوباره با پروین تماس گرفتم، تازه فهمیدم گوهر فوت کرده است.»

■ حکم قصاص برای قاتل و زندان برای همدستش

پس از تکمیل تحقیقات، دو متهم با صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران معرفی شدند. در جلسه محاکمه، دو دختر مقتول برای متهمان درخواست اشد مجازات کردند. قضات دادگاه نیز پس از بررسی شواهد و اعترافات، حمید را به اتهام قتل عمد به قصاص و پروین را به اتهام معاونت در قتل به حبس محکوم کردند.

رأی صادرشده پس از تأیید در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور، برای اجرای حکم به شعبه سوم اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد. به این ترتیب، شمارش معکوس برای اجرای حکم قصاص حمید آغاز شد. در این مدت، مسئولان واحد صلح و سازش، مددکاران زندان و دیگر افراد خیرخواه تلاش کردند رضایت خانواده مقتول را جلب کنند، اما دو دختر گوهر بر اجرای حکم اصرار داشتند.

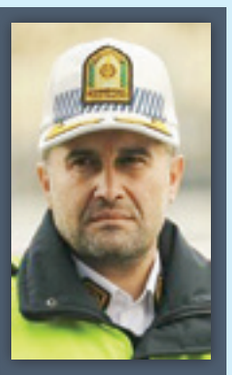
حمید دو بار تا پای چوبه دار رفت، اما هر بار با تلاش گروه صلح و سازش، گریه و التماس متهم و درخواست مهلت از سوی او، اولیای دم از اجرای حکم صرف‌نظر کردند و به او فرصت دیگری دادند.

■ نجات از قصاص با توبه و حفظ قرآن

چند روز قبل، در حالی که حمید برای سومین بار در آستانه اجرای حکم قرار داشت، دادیار شعبه سوم اجرای احکام جلسه‌ای برای صلح و سازش برگزار کرد. در این جلسه، مددکاران و مسئولان زندان از تغییر رفتار متهم در دوران حبس خبر دادند و اعلام کردند او در این مدت توبه کرده، در فعالیت‌های خیرخواهانه شرکت داشته و در جلسات حفظ قرآن حضور پیدا کرده‌است. همچنین مسئولان زندان از رفتار و وضعیت اخلاقی او ابراز رضایت کردند. این اظهارات سرانجام در تصمیم خانواده مقتول تأثیر گذاشت و دو دختر گوهر اعلام کردند در صورت پرداخت دیه، از حق قصاص خود می‌گذرند. با پذیرش شرط اولیای‌دم از سوی حمید و خانواده‌اش، رضایت نهایی اعلام شد و مردی که دو بار تا پای چوبه دار رفته بود، از مجازات قصاص نجات پیدا کرد. به این ترتیب، پرونده قتل از جنبه خصوصی با گذشت اولیای‌دم مختومه شد و حمید به‌زودی برای رسیدگی به جنبه عمومی جرم در دادگاه محاکمه و پس از گذشت ۱۰ سال از حادثه از زندان آزاد خواهد شد.

چرا مقابله با آلودگی هوای تهران همچنان در دور باطل اقدامات مقطعی گرفتار است؟

جریمه خودروها کافی نیست نوبت مسئولان است



سرهنگ فیروز کشیر
معاون اجتماعی پلیس راهور تهران



حسین فصیحی

با آغاز روزهای سرد سال، بار دیگر آلودگی هوا به میهمان ناخوانده تهران تبدیل شده‌است، مدارس تعطیل می‌شوند، محدودیت‌های ترافیکی به اجرا درمی‌آیند و پلیس با خودروهای دودزا و فاقد معاینه فنی برخورد می‌کند، اما پرسش اساسی همچنان پابرجاست: چرا با وجود سال‌ها هشدار، قانون‌گذاری و اجرای طرح‌های مقطعی، هوای پایتخت همچنان نفس شهروندان را به شماره می‌اندازد؟ آیا قرار است تمام بار مقابله با این بحران بر دوش پلیس باشد؛ نهادی که خود نیز در خط مقدم ترافیک و آلودگی، ناچار به استنشاق همین هوای ناسالم است؟

واقعیت این است که آلودگی هوا محصول یک تخلف منفرد نیست که بتوان با جریمه چند هزار خودرو آن را برطرف کرد. این معضل حاصل زنجیره‌ای از مشکلات ساختاری است، از کیفیت پایین خودروهای تولیدی و نظارت بر مراکز معاینه فنی گرفته تا فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل عمومی، تراکم جمعیت، مدیریت ترافیک و ضعف اجرای سیاست‌های پیشگیرانه.

■ پلیس، آخرین حلقه زنجیره مقابله با آلودگی

پلیس راهور در سال‌های اخیر بارها از اجرای طرح‌های برخورد با خودروهای دودزا، فاقد معاینه فنی و دارای نقص مؤثر خبر داده‌است. آمارهای اعلام‌شده نیز از گستردگی این اقدامات حکایت دارد. سرهنگ فیروز کشیر، معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور تهران بزرگ، با تشریح اقدامات انجام‌شده برای کاهش آلودگی هوای پایتخت اعلام کرده‌است که در نیمه نخست سال ۱۴۰۵ بیش از ۱۶ هزار فقره اعمال قانون درباره وسایل نقلیه دودزا ثبت شده است. این رقم در مهرماه نیز از ۵ هزار فقره فراتر رفته‌است. به گفته وی، در همین مدت بیش از ۳ هزار فقره اعمال قانون مربوط به معاینه فنی انجام شده و بیش از ۳۱ هزار و ۷۵۰ وسیله نقلیه نیز با ابطال معاینه فنی مواجه شده‌اند.

این آمارها نشان می‌دهد پلیس در حوزه برخورد با خودروهای آلاینده فعالیت قابل‌توجهی داشته‌است، اما یک پرسش مهم مطرح می‌شود: اگر هزاران خودرو پس از دریافت معاینه فنی همچنان آلاینده هستند، آیا مشکل صرفاً به رفتار رانندگان بازمی‌گردد یا باید کیفیت نظارت بر فرایند صدور گواهی معاینه فنی نیز بررسی شود؟

■ معاینه فنی، گواهی سلامت یا برگه عبور؟

معاینه فنی قرار است تضمینی برای سلامت نسبی خودرو و کاهش آلایندگی آن باشد، اما اگر این فرایند به تشریفاتی اداری تبدیل شود، نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه به خودروهای معیوب فرصت ادامه تردد می‌دهد.

پیش‌تر نیز انتقادهایی درباره نحوه عملکرد برخی مراکز معاینه فنی مطرح شده‌بود. اظهارات انتقادی سردار هادیانفر، رئیس وقت پلیس راهور فراجا، درباره شیوه‌های غیرعلمی بررسی آلایندگی خودروها، از جمله استفاده از سیخ کباب در اگزوز، نشان داد که موضوع نظارت بر این مراکز تا چه اندازه اهمیت دارد. صدور گواهی معاینه فنی بدون بررسی دقیق، می‌تواند سلامت عمومی را به خطر بیندازد، بنابراین ضروری است عملکرد مراکز معاینه فنی به صورت مستمر و مستقل ارزیابی شود و با هرگونه صدور غیرقانونی گواهی سلامت خودرو برخورد جدی صورت گیرد. از سوی دیگر، نمی‌توان از خودروهای معیوب سخن گفت، اما نقش کیفیت تولید و عرضه خودرو را نادیده گرفت. وقتی شهروند برای خرید یک خودروی جدید ناچار به پرداخت هزینه‌ای سنگین است و امکان جایگزینی اقتصادی خودروی فرسوده خود را ندارد، چرخه استفاده از وسایل نقلیه قدیمی و پرآلاینده همچنان ادامه پیدا می‌کند.

■ حلقه فراموش‌شده مدیریت آلودگی

یکی از مهم‌ترین ریشه‌های ترافیک و آلودگی هوا، نبود تناسب میان جمعیت شهر و ظرفیت خدمات حمل‌ونقل عمومی است.

وقتی مترو در ساعات اوج تردد مملو از مسافر است، اتوبوس‌ها با ازدحام حرکت می‌کنند و شهروند برای رسیدن به مقصد باید زمان زیادی را در ایستگاه‌ها منتظر بماند، طبیعی است که بخشی از مردم استفاده از خودروی شخصی یا موتورسیکلت را ترجیح دهند. نمی‌توان از شهروند خواست خودروی شخصی را کنار بگذارد، اما در مقابل، وسیله حمل‌ونقل عمومی مناسب، در دسترس و قابل اتکایی در اختیار او قرار نداد.

تجربه شهرهای مختلف نشان می‌دهد هر جا تراکم جمعیت و تعداد خودروها افزایش پیدا کند، اما ظرفیت حمل‌ونقل عمومی متناسب با آن توسعه نیابد، ترافیک و آلودگی به پیامدهای اجتناب‌ناپذیر مدیریت ناکارآمد شهری تبدیل می‌شود. بنابراین توصیه به استفاده از مترو و اتوبوس، زمانی اثربخش خواهد بود که شهروندان بتوانند با اطمینان، در زمان مناسب و با شرایط قابل‌قبول از این خدمات استفاده کنند.

■ پلیس هم قربانی آلودگی هواست

در این میان نباید فراموش کرد مأموران پلیس راهور نیز بخشی از همین جامعه هستند. مأموری که ساعت‌ها در تقاطع‌ها، بزرگراه‌ها و گلوگاه‌های ترافیکی مستقر می‌شود تا جریان تردد را مدیریت کند، به‌طور مستقیم در معرض دود خودروها و ذرات آلاینده قرار دارد. سرهنگ کشیر از استقرار نیروهای پلیس راهور در صد نقطه ورودی شهر، میادین اصلی و گلوگاه‌ها برای برخورد با خودروهای دودزا خبر داده‌است. این حضور میدانی اگرچه برای اجرای قانون ضروری است، اما پرسش دیگری را نیز پیش می‌کشد: چه تدابیری برای حفاظت از سلامت مأمورانی اندیشیده شده که روزانه در محیط آلوده شهر مشغول خدمت هستند؟ نمی‌توان از سلامت شهروندان سخن گفت، اما سلامت نیروهایی را که برای اجرای قوانین و مدیریت بحران در خیابان‌ها حضور دارند، نادیده گرفت.

■ باید سراغ علت‌ها رفت

سرهنگ داوود شکیبایی، رئیس پلیس ترافیک شهری راهور فراجا، نیز از تشدید برخورد با خودروهای دودزا و دارای نقص فنی در روزهای آلوده خبر داده و اعلام کرده‌است که ابطال معاینه فنی این خودروها در دستور کار پلیس قرار دارد. این اقدامات برای کنترل تردد خودروهای آلاینده ضروری است، اما برخورد انتظامی به‌تنهایی نمی‌تواند جایگزین اصلاح ساختارهای معیوب شود. اگر مراکز معاینه فنی به‌درستی نظارت نشوند، اگر تولید خودروهای کم‌کیفیت و پرآلاینده ادامه یابد، اگر ناوگان حمل‌ونقل عمومی توسعه پیدا نکند و اگر برنامه‌ای عملی برای خروج خودروهای فرسوده وجود نداشته باشد، پلیس ناچار خواهد بود هر سال با همان مسئله و همان خودروها مواجه شود.

راهکار اساسی، تقسیم مسئولیت میان دستگاه‌های متولی و مطالبه پاسخ‌گویی از هر یک از آنهاست. توسعه ناوگان عمومی، نوسازی اتوبوس‌ها، افزایش ظرفیت مترو، ارتقای کیفیت سوخت، نظارت دقیق بر مراکز معاینه فنی، اصلاح سیاست‌های تولید و عرضه خودرو و اجرای واقعی قانون هوای پاک باید در کنار اقدامات پلیسی قرار گیرد.

■ به جای شعار، اقدام عملی لازم است

آلودگی هوای تهران با برگزاری جلسات اضطراری، تعطیلی مدارس، اجرای چندروزه طرح زوج و فرد و اعلام آمار جریمه‌ها برطرف نخواهد شد. این اقدامات ممکن است در شرایط اضطراری بخشی از تردد و مواجهه با آلاینده‌ها را کنترل کند، اما راه‌حل پایدار نیست. ضرورت دارد دستگاه‌های مسئول به‌جای انتقال مسئولیت به یکدیگر، برنامه‌ای زمان‌بندی‌شده و قابل ارزیابی برای کاهش منابع آلاینده ارائه کنند و گزارش پیشرفت آن را در اختیار افکار عمومی قرار دهند. پلیس می‌تواند با متخلفان برخورد کند، اما نمی‌تواند به‌تنهایی خودروی باکیفیت تولید کند، مراکز معاینه فنی را اصلاح کند یا ناوگان حمل‌ونقل عمومی را توسعه دهد. هوای پاک با جریمه چند هزار خودرو به دست نمی‌آید بلکه نتیجه عملکرد درست مجموعه‌ای از دستگاه‌های مسئول است. تا زمانی که این زنجیره اصلاح نشود، هر سال با آغاز فصل سرما، تهران دوباره در همان دور باطل گرفتار خواهد شد؛ دوری که هزینه آن را نه فقط شهروندان، بلکه مأموران پلیس، بیماران، کودکان و نسل‌های آینده می‌پردازند.

قتل زن بوتیک‌دار در خانه‌اش



آرمین بینا

زن ۳۵ ساله‌ای که پس از جدایی از همسرش به‌تنهایی زندگی می‌کرد، در جنایتی مرموز با ضربات متعدد چاقو در خانه‌اش به قتل رسید. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد قاتل پس از غافلگیر کردن زن جوان، تلفن همراه و طلاهای او را سرقت کرده و از محل گریخته است. کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را برای شناسایی عامل یا عاملان این جنایت آغاز کرده‌اند.

عصر روز پنج‌شنبه بیست‌ویکم آبان، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت در جریان قتل زن جوانی در شهرری قرار گرفتند و برای بررسی ماجرا راهی محل شدند. تیم جنایی پس از حضور در ساختمان مسکونی، در طبقه سوم با جسد خونین زن ۳۵ ساله‌ای به نام نسرین روبه‌رو شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده‌بود. بررسی‌های اولیه نشان داد مقتول مدتی قبل از همسرش جدا شده و به‌تنهایی در این ساختمان زندگی می‌کرده‌است. او همچنین در یکی از خیابان‌های جنوبی شهر تهران یک مغازه بوتیک لباس‌فروشی داشته و با اداره آن امرار معاش می‌کرده‌است.

■ کشف جسد با کلید یدک

یکی از اعضای خانواده نسرین که موضوع را به پلیس اطلاع داده بود، در توضیح ماجرا گفت: «ساعتی قبل برای انجام کاری با تلفن همراه نسرین تماس گرفتم، اما جواب نداد. از طرفی متوجه شدم مغازه‌اش را هم تعطیل کرده و به خانه برگشته است. نگران شدم و همراه یکی از اعضای خانواده به خانه‌اش رفتیم. هرچه در زدیم، کسی در را باز نکرد. در نهایت با کلید یدک در را باز کردیم و وارد شدیم، اما با صحنه هولناکی روبه‌رو شدیم. جسد خونین نسرین روی زمین افتاده بود و خون تمام اتاق را گرفته بود. با فریاد از همسایه‌ها کمک خواستیم و به پلیس خبر دادیم.»

■ سرقت طلا و تلفن همراه پس از قتل

کارآگاهان در بررسی صحنه جنایت دریافتند تلفن همراه و طلاهای مقتول به سرقت رفته‌است. این موضوع احتمال وقوع قتل با انگیزه سرقت را تقویت کرد. شواهد اولیه همچنین نشان می‌داد نسرین غافلگیر شده و فرصت چندانی برای دفاع از خود نداشته‌است. تحقیقات بعدی مشخص کرد زن جوان برای اداره بوتیک خود کارمندی استخدام کرده‌بود، اما کارمندش روز حادثه مرخصی بوده‌است. به همین دلیل نسرین به‌تنهایی مغازه را باز کرده و پس از پایان کار در ساعات عصر، به خانه برگشته بود که به طرز مرموزی در خانه‌اش به قتل می‌رسد.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم، بازپرس جنایی دستور تحقیقات تخصصی را صادر کرد. کارآگاهان در نخستین اقدامات، بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف ساختمان و مسیر رفت‌وآمد مقتول را در دستور کار قرار داده‌اند. همچنین قرار است آخرین تماس‌ها و پیامک‌های تلفن همراه نسرین بررسی شود تا سرنخی از هویت عامل یا عاملان این جنایت به دست آید. تحقیقات پلیسی برای رازگشایی از قتل زن بوتیک‌دار ادامه دارد.

پلیس شوشتر به دنبال قاتل یک بسیجی

فرمانده انتظامی شوشتر از تشکیل پرونده قتل زن بسیجی و صدور دستور ویژه برای شناسایی و دستگیری عامل این جنایت خبر داد.

سرهنگ فرشاد کاظمی اظهار کرد: همزمان با کشف جسد زن بسیجی در حاشیه جاده شوشتر به کوشکک در روز پنج‌شنبه ۲۱ آبان، موضوع بلافاصله با هماهنگی مرجع قضایی در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. بر اساس این گزارش، پیکر بی‌جان ارغوان احمدیان، مسئول بسیج فرهنگیان شوشتر، پس از دو روز بی‌خبری از وی، در حاشیه جاده شوشتر به کوشکک کشف شد. بنا بر مشاهدات اولیه، این زن جوان بر اثر اصابت گلوله به قتل رسیده‌است.

یادداشت

اقتصاد ملی در محاصره فرهنگ تجمل



سرهنگ علی صباحی‌فر
معاون اجتماعی پلیس امنیت اقتصادی

سینما از فعال‌ترین و اثرگذارترین حوزه‌های فرهنگی است و بر زندگی اجتماعی، اقتصادی و رفتاری مردم اثر مستقیم دارد. به همین دلیل در فرهنگ‌سازی هر کشور جایگاه بالایی دارد. فیلم و سریال فقط سرگرمی نیست، مدرسه‌ای نانوشته است که میلیون‌ها نفر در آن حاضر می‌شوند و بی‌آنکه متوجه باشند، الگوی پوشش، زبان، مصرف و روابط را از آن می‌آموزند. اگر این رسانه خوب عمل کند، می‌تواند هنجارساز و سازنده باشد، اما وقتی از مسیر خود منحرف شود، آسیب‌هایش به همان اندازه عمیق و ماندگار است. سینمای موفق، با تولیدات مناسب و روایت‌های خوب، آگاهانه یا ناآگاهانه فرهنگ جامعه را دستخوش تغییر می‌کند. شخصیت‌های محبوب فیلم‌ها در پوشش، گفتار و رفتار الگوی مخاطبان می‌شوند. بسیاری از الفاظ و اصطلاحاتی که امروز در میان مردم رایج است، از دیالوگ‌های شخصیت‌های سینمایی وارد زبان جامعه شده‌است. این قدرت اگر در خدمت ارزش‌ها باشد، فرصتی بزرگ است و اگر نه، تهدیدی جدی.

■ تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی

یکی از مهم‌ترین انتقادها به بخشی از تولیدات نمایشی، نمایش مداوم زندگی‌هایی است که بسیار بالاتر از سطح میانگین جامعه قرار دارد: خانه‌های بزرگ، خودروهای گران‌قیمت، میهمانی‌های پرخرج و پوشاک لوکس. این تصویر، زندگی عادی اکثریت مردم را کمبود جلوه می‌دهد. نتیجه آن است که:

معیار نیاز جابه‌جا می‌شود: آنچه روزی تجمل بود، به انتظار عمومی تبدیل می‌شود.

مصرف تظاهری رشد می‌کند: خانواده‌ها برای هم‌رنگی با تصویر سینمایی، فراتر از توان خود خرج می‌کنند و پس‌انداز و امنیت مالی‌شان تضعیف می‌شود.

اسراف عادی می‌شود: صحنه‌های دورریختن غذا و خرج‌های نمایشی، فرهنگ میانه‌روی را سست می‌کند.

فشار بر اقتصاد ملی افزایش می‌یابد: تقاضا برای کالاهای لوکس و وارداتی بالا می‌رود و تولید داخل و منابع ارزی زیر فشار قرار می‌گیرد.

■ تصویر دوقطبی از اقتصاد

مشکل دیگر، روایت غیرواقعی از مسائل اقتصادی است. در بسیاری از آثار، اقتصاد یا سیاه نشان داده می‌شود یا لوکس: یا فقر مطلق و فساد، یا ثروت بی‌حدوحصر. طبقه متوسط و تولیدکننده زحمتکش که ستون اصلی اقتصاد است، کمتر دیده می‌شود. ثروت نیز اغلب بی‌ریشه نمایش داده می‌شود و معلوم نیست حاصل کار، خطرپذیری یا تولید بوده‌است. این روایت ارزش کار و پشتکار را کم‌رنگ می‌کند و میل به کسب ثروت سریع و بدون زحمت را تقویت می‌کند. همچنین احساس محرومیت نسبی را در جامعه تشدید می‌کند و به کاهش اعتماد و رضایت اجتماعی می‌انجامد.

■ عادی‌سازی رفتارهای پرخطر

از دیگر انتقادها، نمایش پیاپی سیگار است. وقتی کشیدن سیگار در فیلم‌ها امری عادی و دم‌دستی جلوه می‌کند، گاهی نشانه جذابیت یا آرامش می‌شود. پژوهش‌های متعددی میان دیدن سیگار در فیلم و گرایش نوجوانان به مصرف ارتباط یافته‌اند و به همین دلیل بسیاری از کشورها برای آن ضوابطی دارند. هزینه‌های درمانی دخانیات نیز بار سنگینی بر نظام سلامت و اقتصاد می‌گذارد.

■ تضعیف جایگاه خانواده

منتقدان معتقدند در بخشی از تولیدات، روابط زن و مرد به شکلی عادی و بدون توجه به چارچوب‌های پذیرفته‌شده جامعه نمایش داده می‌شود، خیانت بیش از اندازه تکرار می‌شود و خانواده قداست و جایگاه خود را از دست می‌دهد. نمایش مکرر این الگوها می‌تواند نگرش جوانان به ازدواج، تعهد و پایداری خانواده را تغییر دهد. پیامدهای بلندمدت آن شامل تأخیر در ازدواج، کاهش فرزندآوری و فشار بر نظام حمایتی و بازنشستگی است. البته باید توجه داشت که عوامل اقتصادی مانند مسکن، اشتغال و تورم نقش اصلی‌تری در این روندها دارند و سهم سینما قابل اندازه‌گیری دقیق نیست.

■ پوشش و زبان

در حوزه فرهنگی، الگوهای پوشش و الفاظی که از طریق شخصیت‌های سینمایی در جامعه رایج می‌شود نیز اهمیت دارد. گاهی الفاظ نامناسب یا الگوهای پوششی ناهمسو با فرهنگ عمومی، به‌واسطه محبوبیت یک شخصیت یا بازیگر، به‌سرعت در میان نوجوانان و جوانان رواج می‌یابد و هویت فرهنگی را دستخوش تغییر می‌کند.

■ پیشنهادها

۱. سیاست‌گذاری هوشمند: تدوین راهنمای شفاف برای نمایش تجمل و دخانیات، همراه با مشوق‌های حمایتی برای آثار دارای الگوهای سالم، به‌جای ممنوعیت صرف.

۲. روایت ثروت همراه با مسیر آن: حمایت از فیلم‌نامه‌هایی که موفقیت اقتصادی را با کار، تولید و مسئولیت اجتماعی نشان می‌دهند.

۳. بازتاب واقعی جامعه: تولید بیشتر آثار درباره زندگی مردم عادی، کارآفرینان و تولیدکنندگان.

۴. سواد رسانه‌ای: آموزش تحلیل محتوای تصویری در مدارس، دانشگاه‌ها و خانواده‌ها.

۵. مسئولیت‌پذیری تهیه‌کنندگان: ارزیابی اثر فرهنگی و اقتصادی آثار پیش از تولید.

۶. اصلاح عملکرد اقتصادی: بخشی از مشکل به عملکرد ضعیف حوزه‌های اقتصادی برمی‌گردد، سینما بازتاب‌دهنده و تشدیدکننده است، نه تنها علت.

■ جمع‌بندی

سینما اگر با مسئولیت عمل کند، می‌تواند ابزار فرهنگ‌سازی، تقویت تولید و ترویج میانه‌روی باشد. اما تصویرسازی بی‌ضابطه از تجمل، مصرف‌گرایی، رفتارهای پرخطر و تضعیف خانواده، هزینه‌هایی فرهنگی و اقتصادی بر جامعه تحمیل می‌کند. اصلاح این مسیر نیازمند همکاری سینماگران، سیاست‌گذاران و جامعه است.